

بسم الله الرحمن الرحيم

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَسَنِ ابْنِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا بُنَيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ فَقَالَ بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا تَجْلِسْ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ جَائِعٌ وَلَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ وَ جَوْدِ الْمَضْغِ وَ إِذَا نِمْتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْنَيْتَ عَنِ الطَّبِّ

در سفارشی به فرزند خود امام مجتبی علیه السلام فرمودند: فرزندم! آیا چهار نکته به تو نیاموزم که با رعایت آنها از طیبیب بی نیاز شوی؟ عرض کرد: چرا، ای امیر مؤمنان. حضرت فرمودند: تا گرسنه نشده ای غذا نخور و تا اشتها داری از غذا دست بکش و غذا را خوب بجو و قبل از خوابیدن قضای حاجت کن. اگر این نکات را رعایت کنی، از مراجعه به طیبیب بی نیاز می شوی.

خصال ص 229

فراتر از یک پدیده، جریانی به نام جریان طب اسلامی در کشور شکل گرفته و در گوشه و کنار، سخن از صحت و سقم آن گفته می شود. و بنده به دنبال درخواست های مکرر از اینجانب و طبق وعده ای که داده ام، نکاتی در این مساله بیان می کنم و قبل از آن، این نکته را یادآور می شوم که ورود من به محتوای مسائل طبیبی نیست چرا که در تخصص بنده نیست و آنچه بیان می شود آسیب شناسی این جریان از منظر اجتماعی و دینی است.

اصل ورود به روایاتی که با عنوان مسائل طبیبی داریم، ورودی صحیح و ممدوح است و بی انصافی است که آن را با هواپیمایی اسلامی و جاده کشی اسلامی هم ردیف کرده و آن را به نقد بکشیم، این بی انصافی و نوعی لجاجت است، با وجود این اسناد، طب اسلامی داریم چنانکه طب مسلمین نیز داریم و آن طبیبی است که در تمدن اسلامی بالنده شده است و فعالیت های ابن سینا و زکریای رازی را از فقه مسلمین می توان شمرد.

اصل این ورود ممدوح است ولی آسیب هایی در این میان است که عدم توجه به آن، مفاسدی را لازم می آورد و اجتناب از آن لازم است، برخی از این آسیب ها به شرح ذیل است:

1. پشت پا زدن به دست آوردهای پزشکی بشری

شاید بارها از بنده شنیده باشید حکایت افرادی را که هرگاه قصد مدح مساله یا موضوعی را دارند باید پیش از آن چند مرگ و چند سیلی به مسائل و موضوعات دیگر بزنند تا بتوانند مدح مساله ای کنند یا از ضرورت آن سخن بگویند در حالی که میان این دو ملازمه ای نیست و هر چیزی به جای خویش نیکوست.

در جریان طب اسلامی و برای تبیین آن، لزومی ندارد که دست آوردهای پزشکی بشری نفی شود تا طب اسلامی اثبات شود، خیر. نه مرعوب پزشکی روز باید بود و هر چه هست را وحی منزل دانست چنانکه دلباختگان غرب، باور دارند و نه همه دستاوردهای آن را ندید گرفت، باید دانست که دو لبه قیچی افراط و تفریط با یکدیگر سر سازش دارند و آن چیزی که در میان آنها بریده می شود، ساقه بارور عدالت و انصاف است.

## 2. نسخه پیچی جازمانه

پزشکی و درمان، مساله ای پیچیده و چند ضلعی است و تشخیص مساله آن دشوار است به ویژه آنکه یک سری از اطلاعات بر اثر اظهار اطلاعاتی از سوی بیمار است و حس و بیان بیمار، گاه دقیق نیست و خلاف واقع است مانند برخی که دندان درد دارند، اما منشأ درد را دندان می پندارند. مساله تشخیص اشتباه، وقتی تجویز اشتباه را به دنبال دارد و تجویز را به نام ائمه علیهم السلام نامگذاری می کنند وقتی پاسخ نمی دهد، منجر به بی اعتقادی می شود، باید از نسخه پیچی های جازمانه به نام اهل بیت ع پرهیز کرد.

## 3. ورود روحانیت به این عرصه

الان در درون روحانیت و در برخی مساجد، شاهد این تصدی طب اسلامی و گاه طب های دیگر، از طرف روحانیون هستیم و گاه زمان زیادی را برای این مساله صرف می کنند. ولی باید بدانند که در اولویت های دانشی یک طلبه پرداخت به این قسم از مسائل با وجود دانش های تفسیر، کلام، فقه، اصول، تاریخ اسلام و... ناصحیح است و این مسائل از بخش های بنیادین دین نیست.

طلبه ای را برای تبلیغ به جایی معرفی کردم و بعد متوجه شدم که به این مسائل روی آورده و خانمی که سرطان داشته را تحت درمان گرفته و سرطان بیمار، شدید شده و پزشکان در چرایی این پیشرفت، عدم مراجعه به متخصص را فهمیدن و از طرف دیگر همسر آن خانم نیز معترض آن روحانی شد و قصد شکایت داشت. خوب است که هرکس به کار خود مشغول باشد و روحانی یک مسجد، مسئولیت های بزرگی دارد که اگر صحیح انجام دهد، زندگی مردم را بهبود می بخشد.

## 4. مایه هجمه به دین، فراهم نشود

امروزه که بر سر علوم انسانی اسلامی، در کشور مسائل داغ است و هر کس به طرفی می کشد، بسیار باید حساب شده و با منطق عمل کرد که تا خدایی نا کرده انسان مایه هجمه به دین خدا، که امانت الاهی به دست ماست را فراهم نکند.

مثلا اینکه گفته شود نیازی به اصول کشاورزی در بخش آفت زدایی نداریم، چرا که در روایات آمده است که آفت از عدم پرداخت زکات است و اگر زکات پرداخته شود نیازی به آفت زدایی و مدیریت گیاهان نیست و هیچ آفتی روی نمی دهد، این برداشتی ناصحیح است چرا که آنچه در روایات آمده به عنوان مقتضی و علت ناقصه است نه آنکه تمام علت آفت زایی، عدم پرداخت زکات است، لذا اینگونه اظهارات در مقابل جامعه جهانی، مایه هجمه به دین را فراهم می کند و نباید صادر شود. این نوع برداشت ها را اخباری گری افراطی و یا سلفی شیعی می توان نامید که از بایسته های فهم نصوص دینی به دور است. برداشت صحیح از نصوص و استنباط، سال های تحصیل مقدمات و سال ها مجاهدت علمی می خواهد نه هر که سر بتراشد، قلندری داند، برخی چنان خام اندیشند که گمان می کنند با دو سال درس خواندن انسان مجتهد می شود، چه بسا گمان کرده اند که اجتهاد را چون آمپولی می توان به افراد تزریق کرد!!!

در پایان عرض می کنم که پرداخت به روایات طبی موجود در اسناد، بایسته هایی را می طلبند که برخی از آن عبارت است از:

1. افراد خاص
2. شرایط خاص
3. محدود
4. غیرجازمانه
5. غیر مرعوب
6. با احترام به دست آوردها
7. با برنامه ای نهادیه

همت بر آن بود تا با رعایت انصاف برخی از آسیب ها را بیان کرده باشم.